

« درس چهارم: کدام تصویر از جهان »

1. نظر دموکریتوس درباره ماده اولیه تشکیل دهنده جهان و نحوه پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان را بنویسید. (خرداد 99)

به نظر او ماده اولیه تشکیل دهنده جهان اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده بودند و بر خورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

2. نظریه مه بانگ (بیگ بنگ) را تعریف کنید.

بر اساس این نظریه جهان کنونی و میلیاردها کهکشان بر اثر یک انفجار بزرگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.

3. لازمه و نتیجه هر یک از اصول زیر چیست؟ (دی 98 / خرداد 99)

اصل علیت: ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن

اصل وجوب بخشی علت به معلول: تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

اصل سنخیت میان علت و معلول: نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

4. چهار معنی « اتفاق » را ذکر کنید و با مثال توضیح دهید.

معنای اول: این است که میان حوادث جهان و پدیده های آن هیچ رابطه ضروری نیست

برای مثال همه عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد ولی باران نبارد (نفی ضرورت و اصل وجوب بخشی علت به معلول)

معنای دوم: این است که سنخیت و تناسبی میان اشیاء و آثار آن نیست و چه بسا پدیده ای ظاهر شود که هیچ ربطی به آن ندارد. مثلا آفتاب سبب تاریکی شود یا یخ باعث حرارت و گرما بشود. (نفی اصل سنخیت علت و معلول)

معنای سوم: نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان (نفی غایتمندی حوادث جهان)

معنای چهارم: رخ دادن حوادث پیش بینی نشده. به طور مثال دیدن دوستی قدیمی در یک فروشگاه

5. انواع علت را نام برده و با مثال تعریف کنید.

علت تامه: هر گاه وجود تنها یک علت باعث پیدایش معلول شود آن علت را تامه می نامند برای مثال آفتاب علت روشنایی است.

علت ناقصه: به هر یک از عواملی که در پدید آمدن یک معلول دخالت دارند علت ناقصه گفته می شود برای مثال برای نوشتن روی کاغذ، وجود قلم، انسان، کاغذ و اراده انسان و .. برای نوشتن باید باشد هر یک از این عوامل علت ناقصه هستند و مجموعه عوامل علت تامه می باشند.

6. پذیرش اتفاق به معنی دوم (نفی سنخیت) چه تاثیری در اندیشه و سبک زندگی یک فرد دارد؟

(انکار اصل سنخیت چه آثار و نتایجی به دنبال دارد؟)

الف) پذیرش این معنای اتفاق نفی سنخیت و تناسب علت و معلول را به دنبال دارد، اگر کسی واقعا اصل سنخیت را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی را از هر چیزی ممکن بداند به هیچ کاری دست نخواهد زد مثلا نمی تواند برای رفع تشنگی آب بنوشد زیرا رابطه ای میان آب و رفع تشنگی مشاهده نمی کند.

ب) علاوه بر این چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل طبیعی پدیده ها تشویق کند.

ج) در حقیقت انکار اصل سنخیت بی اعتباری و بی اعتنایی به همه علوم است و متناقض با هستی نظام مند و قانونمند است.

7. پذیرش اتفاق به معنی سوم یعنی نفی غایتمندی جهان چه تاثیری در تفکر و سبک زندگی یک فرد دارد؟

پذیرفتن این معنای اتفاق نفی علت نخستین جهان و آفریننده است زیرا غایتمندی جهان به این معناست که همه حوادث با هدف مشخص و از پیش تعیین شده رخ می دهد و قبول این غایتمندی فقط با قبول کردن علت نخستین یا علت العلل (خداوند) امکان پذیر است. پس اگر کسی نظم و غایتمندی جهان را نپذیرد خدا را نپذیرفته است.

8. کدام دسته از فلاسفه اتفاق به معنای نفی غایتمندی را قبول ندارند؟ توضیح دهید (خرداد 99)

آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند معتقدند که این نوع اتفاق امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. یعنی این جهان به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود.

9. کدام دسته از فیلسوفان اتفاق به معنای نفی غایت‌مندی جهان را قبول دارند؟

گروهی از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند غایت‌مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می‌کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی می‌دانند که از پیش تعیین شده نبوده است.

10. تنها معنای صحیح اتفاق کدام است؟ چرا

اتفاق به معنی چهارم یعنی رخ دادن حوادث پیش بینی نشده، زیرا با هیچ یک از اصول و لوازم علت مخالف نیست بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

11. آیا کسی وجود دارد که معنای اول اتفاق یعنی نفی ضرورت و وجوب بخشی علت به معلول را پذیرفته باشد؟ خیر هیچ فیلسوفی موافق این معنا نیست.

12. چرا گاهی برخی از مردم گمان می‌کنند رابطه ضرورت میان علت و معلول برقرار نیست؟

زیرا آنان از تمام اجزای علت آگاه نیستند یعنی ممکن است علت ناقص باشد و مجموعه عوامل لازم برای پدید آمدن معلول کافی نباشد.

13. کدام گروه از فلاسفه اتفاق به معنای سوم یعنی نفی سنخیت را قبول ندارند؟

تمام فلاسفه اسلامی از جمله ملاصدرا، طباطبایی و ابن سینا و برخی فیلسوفان اروپایی

دیدگاه فلاسفه در مورد اتفاق به طور خلاصه

اتفاق به معنای اول (نفی ضرورت): هیچ کس موافق نیست.

اتفاق به معنای دوم (نفی سنخیت): فیلسوفان اسلامی و برخی فیلسوفان اروپایی مخالفند.

اتفاق به معنای سوم (نفی غایت‌مندی)

گروهی که به علت نخستین و خداوند معتقدند مخالف این معنا هستند.

گروهی که به خداوند و علت نخستین اعتقاد ندارند این اتفاق را قبول دارند.

اتفاق به معنای چهارم (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده): همه فیلسوفان این معنا را قبول دارند.

14. اشعار زیر کدام یک از معانی اتفاق را رد می کنند؟

الف) گندم ز گندم بروید جوز جو (نفی سنخیت)

ب) از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان برزدم (نفی غایتمندی)

نکات مهم درس

1. برخی از دانشمندان زیست شناس معتقدند بیشتر موجودات روی کره زمین به علت ناسازگاری با محیط از بین رفته اند و تنها آن دسته که به طور اتفاقی تغییرات بدنی شان با محیط سازگار بوده رشد کرده اند.
2. نظریه مه بانگ باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان اتفاقی و بدون یک علت وجود دهنده بوده است.
3. یکی از اقدامات موثر و مهم فیلسوفان دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن هاست.
4. مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا الهیات شفا نام دارد که در همین کتاب به مبحث اتفاق و شانسی نیز پرداخته است.
5. اگر برای مثال کسی معتقد باشد با وجود تمام عوامل پیدایش باران، باران نمی بارد اصل وجوب بخشی یا ضرورت علت به معلول را انکار کرده است.
6. اگر کسی بگوید حرارت سبب یخ بستن آب می شود اصل سنخیت را انکار کرده است.
7. انکار اصل سنخیت بی اعتباری و بی اعتنایی به همه علوم را به دنبال دارد.
8. علت العلل یا علت بالذات همان خداوند است.
9. تنها کاربرد و معنای صحیح اتفاق معنی چهارم آن یعنی رخ دادن حوادث پیش بینی نشده است.
10. اگر کسی بگوید در برخی موارد در عین وجود علت تامه ، معلول بوجود نمی آید اتفاق به معنای نفی ضرورت را پذیرفته است.

پایان درس چهارم